



«حلقات»

درس 8

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای پیشوایی

مقدمه

اصولیون برای اثبات حجیت خبر واحد به آیات زیادی از قرآن استناد کرده اند. شهید صدر از میان این آیات تنها استدلال به آیه نبأ و آیه نفر را بیان کرده است.

استدلال به آیه نبأ در درس‌های گذشته مطرح شد و با وجود مناقشه‌های گوناگون در دلالت این آیه ، شهید صدر دلالت آیه نبأ بر حجیت خبر واحد را پذیرفت.

دومین آیه که ایشان به آن استدلال کرده است، آیه نفر می باشد. در این درس دلالت این آیه بر حجیت خبر واحد را بررسی می‌کنیم. بدین منظور نخست مفردات و کلمات آیه را توضیح داده و استدلال به آیه را بیان می‌کنیم.

استدلال به این آیه در چند مقدمه بیان می‌شود و هر کدام از مقدمات خود داری چند استدلال و قیاس می‌باشند. شهید صدر این ادله و قیاس‌ها را بیان و آن‌ها را بررسی کرده است.

مث درس

ومنها: آية النفر، وهي قوله سبحانه وتعالى: (فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم إذا رجعوا إليهم لعلهم يحذرون).

وتقريب الاستدلال بها يتم من خلال الامور التالية:

اولا: انها تدل على وجوب التحذر لوجوه: احدها - انه وقع مدخولا لاداة الترجي الدالة على المطلوبة في مثل المقام، ومطلوبية التحذر مساوقة لوجوبه لان الحذر ان كان له مبرر فهو واجب، والا لم يكن مطلوبا. ثانيها - ان التحذر وقع غاية للنفر الواجب، وغاية الواجب واجبة. ثالثها - انه بدون افتراض وجوب التحذر يصبح الامر بالنفر، والانذار لغوا.

استدلال به آيه نفر

دومين آيه‌اي كه براي اثبات حجيت خبر واحد به آن تمسك شده است آيه نفر است :

«وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^۱

مفاد آيه نفر اين است: آيا از هر فرقه‌اي طايفه‌اي کوچ نمي‌کنند تا عمق تكاليف الهي را بشناسند تا براي قومشان تكاليف را بيان کنند، چه بسا تحذر کنند!

بيان معنای چند كلمه در آيه شريفه نفر

تفقه: شناخت عميق تكاليف .

انذار: بيان تكاليف شناخته شده .

حذر : عمل به تكاليف است. زماني قومي تحذر مي‌کنند كه به تكليفي كه به آن ها ابلاغ شده است، عمل کنند.

Sco1 5:55

^۱ توبه، 12 .

دلالت آیه

شهید صدر برای اثبات دلالت این آیه بر حجیت خبر واحد سه مقدمه بیان می‌کند که این مقدمات سه‌گانه برهم مترتب هستند.

مقدمه نخست: وجوب تحذر

در مقدمه نخست می‌خواهیم این مطلب را اثبات کنیم که آیه دال بر وجوب تحذر مردم در برابر انذار منذرین است. بر مردم واجب است تکالیفی که منذرین به آن‌ها ابلاغ می‌کنند را انجام دهند. پس می‌خواهیم اصل وجوب تحذر و انذار منذرین را اثبات کنیم.

نکته

وجوب تحذر عبارت از اجرای تنجز است؛ زیرا اگر بندگان این تکالیف را انجام ندهند، مستحق عقاب می‌شوند. پس انذار منذرین موجب تنجز تکالیف می‌شود و تنجز تکالیف به معنای وجوب انجام آن‌ها می‌باشد.

اثبات مقدمه نخست

شهید صدر برای اثبات مقدمه نخست سه قرینه و شاهد در آیه شریفه ارائه می‌فرمایند. این قرائن دال بر وجوب تحذر در آیه شریفه می‌باشند و می‌توان آن‌ها را به شکل قیاس‌های منطقی چنین بیان کرد.

قیاس نخست

صغری: تحذر در آیه مطلوب است.

کبری: تحذر مطلوب واجب است.

نتیجه: پس تحذر در آیه واجب است.

توضیح قیاس

الف) تحذر در آیه تحذری مطلوب است، زیرا تحذر در آیه مدخول ادات ترجی است. «لعلهم یحذرون» و ادات ترجی بر مطلوبیت مدخولشان برای متکلم دلالت می‌کنند.

ب) تحذر مطلوب واجب است؛ زیرا تحذر از اموری است که مستحب ندارد. زیرا تحذر یا توجیه معقول دارد، پس واجب است علی توجیه معقول ندارد، پس به هیچ وجه مطلوب و عقلایی نیست. در عرف، مراقبت و هوشیاری عبارت از تحذر است. تحذر بی مورد و هوشیاری و مراقبت از اموری که هیچ نفع یا ضرری را متوجه انسان نمی‌کند، امری غیر معقول است و هیچ مطلوبیتی ندارد.

مثال

اگر در سیم لخت برق، احتمال جریان برق وجود داشته باشد، عقل حکم می‌کند انسان باید مواظب باشد که دچار برق‌گرفتگی نشود؛ اما اگر این سیم برق نداشته باشد و انسان به این امر یقین داشته باشد، ترس از سیم لخت و مراقبت از آن غیر عقلایی و غیر مطلوب بوده و احتیاط در این جا بی‌معنا می‌باشد.

Sco2 12:48

قیاس دوم

صغری: تحذر در آیه شریفه غایت نفر و کوچ است که این نفر واجب کفایی است و بر مسلمانان واجب است.
کبری: غایت واجب، واجب است.
نتیجه: تحذر واجب است.

توضیح قیاس

غایة الواجب: در قیاس به م عنی «ما وجب الواجب لإجلها» می باشد و در آیه شریفه نفر واجب است تا تحذر حاصل شود. اگر تحصیل اصل غایت واجب نباشد، چگونه ممکن است امری که مقدمه وصول به آن است، واجب باشد! زیرا وجوب مقدمه از ذی المقدمه ناشی می شود.

قیاس سوم:

نکته: دو قیاس اول هر دو اقترانی بودند؛ اما قیاس سوم استثنایی است.
صغری: اگر تحذر واجب نباشد، امر خدا به نفر و انذار لغو می شود.
کبری: «والتالی باطل» امر خداوند هیچ گاه لغو نیست.
نتیجه: «والمقدم مثله» پس تحذر واجب است.

توضیح

دلیل این که عده ای باید نفر و کوچ کنند، این است که شاید مردمان پیرامون آن عده تحذر کرده و به تکالیف خود عمل کنند. پس ثمره این نفر و کوچ و انذار، تحذر مردم است. اگر تحذر واجب نباشد به این معناست که مردم مجاز باشند به سخنان مندرین گوش نکرده و به تکالیف عمل نکنند، در این صورت دیگر کوچ و انذار کاری لغو می شود و امر به فعل لغو هم لغو است.

Sco3 24:39

چکیده

1. آیه نفر از آیاتی است که برای اثبات حجیت خبر واحد به آن تمسک شده است.
2. برای اثبات دلالت این آیه بر حجیت خبر واحد سه مقدمه بیان شده است، که مقدمه نخست وجوب تحذر در آیه شریفه می باشد.
3. وجوب تحذر به معنای تحقق تکالیف و استحقاق عقاب در صورت مخالفت می باشد.
4. برای اثبات وجوب تحذر سه شاهد اقامه شده است که می توان آن ها را به صورت سه قیاس بیان کرد.
5. تحذر در آیه شریفه پس از ادات ترجی واقع شده که دال بر مطلوبیت تحذر می باشد و تحذر مطلوب واجب است، پس تحذر در آیه واجب می باشد.
6. تحذر، هوشیاری و مراقبت یا مطلوب است و لازم، یا غیر عقلایی و نا مطلوب.
7. کوچ و نفر واجب مقدمه تحذر است. همیشه غایت یک امر واجب، واجب می باشد، پس تحذر موجود در آیه واجب است.
8. اگر تحذر و عمل به تکالیف در آیه شریفه واجب نباشد، کوچ مومنان بی فایده و لغو می شود و خداوند به امر لغو دستور نمی دهد، پس تحذر واجب است.